

# همسرگزینی در اندیشه دینی

محمد رضا سالاری \*



چکیده:

جهان بینی و نگرش های هر فرد، تاثیر مستقیمی در همسرگزینی دارد؛ چرا که معیارهای گزینش همسر، برخاسته از باورها، عقاید و خصوصیات شخصی و فردی است. از میان این باورها، اعتقاد یا عدم اعتقاد به دین، نقش مهمی را ایفا می کند که بر حسب آن ملاک های گزینش تغییر می یابد. نوشتار حاضر در راستای تبیین ملاک های گزینش همسر در جهان بینی اسلامی، ابتدا به بررسی این ملاک ها در جامعه شناسی خانواده پرداخته و سپس صفات و شرایط لازم همسر را از منظر متون دینی (قرآن و کلمات معصومین (ع)) بیان می کند. از این منظر، ایمان و باورهای دینی در حد مناسب، تفوا و دوری از گناهان، اخلاق نیک و سازگاری و سلامت جسمانی و روانی، صفات لازم برای یک همسر مناسب است. سایر ملاک ها، از جمله کفویت و جذابیت جسمانی به طور نسبی و متناسب با اوضاع و احوال زمانی و مکانی هر فرد و جامعه در نظر گرفته می شود.

واژگان کلیدی:

همسان همسری، ایمان، اخلاق، جهان بینی، همسرگزینی، کفویت، زن.

\* - دانش پژوه سطح چهار حوزه، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

باورها و اعتقادات هر فرد، مهمترین نقش را در همسرگزینی وی ایفا می کنند. چرا که این باورها ریشه در فرهنگ، مذهب و سنت جامعه ای دارد که شخص در آن پرورش یافته و با آن تعامل دارد و بر اساس همین باورهاست که الگوهای گزینش همسر در اندیشه افراد شکل گرفته و مبنای همسرگزینی آنان می شود. مجموعه این باورها و اعتقادات جهان بینی افراد را بر دو نوع (جهان بینی مادی و الهی) شکل می دهد. به عنوان نمونه، جهان بینی الهی بر حسب غایتی که برای انسان و حیات وی قایل است، اهدافی را برای ازدواج در نظر می گیرد که جهان بینی مادی فاقد آن است و مترتب بر این اهداف ملاک های گزینش نیز تغییر می یابند.

از این رو، در این نوشتار، قبل از پرداختن به ملاک های گزینش همسر، تأثیر جهان بینی بر همسرگزینی بیان شده و سپس ملاک های گزینش در جامعه شناسی خانواده مطرح می شود. این ملاک ها در اندیشه اسلامی، تحت دو دسته کلی قرار می گیرند: ملاک های مطلق و لازم که بر حسب سنن، عرف و فرهنگ های مختلف تغییر نمی یابد و در همه زمان ها و مکان ها ثابت است و ملاک های نسبی که بر حسب شرایط و موقعیت های گوناگون، تغییر یافته و می توان میان آن ها اولویت قائل شد، پس از آگاهی و شناخت به این ملاک ها و اولویت بندی بین آن ها از جهت نظری، گام مهم دیگر، تشخیص این معیارها در فرد داوطلب ازدواج است که در این نوشتار به نحو بسیار اجمالی به آن پرداخته می شود.

### تأثیر جهان بینی بر همسرگزینی

جهان بینی عبارت از تفسیر و برداشت کلی هر فرد از مجموعه هستی است. هستی شامل اموری مانند جهان مادی و ماورایی، هدف و غایت جهان، قوانین کلی حاکم بر آن، انسان و زندگی او می شود. هر فرد برخوردار از یک جهان بینی است که ممکن است بر استدلال، تعقل و شواهد علمی یا مبانی و استدلال های ساده و عامیانه، مبتنی باشد. (رک. مطهری، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۲۴) از مجموع تعریف های مختلف برای جهان بینی (نک. مندلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۶۷: ج ۱۶، ص ۵۷۷) می توان دو

رکن اساسی برای آن در نظر گرفت: دید کلی فرد نسبت به هستی، از قبیل اعتقاد به خدا، موجودات ماورای طبیعت و دید فرد نسبت به انسان و جنبه های مختلف وجود او. هر چند انسان بخشی از هستی محسوب می شود، ولی در عرض آن مطرح است؛ زیرا در نزد انسان ها، محوری ترین موضوع هستی، همان طبیعت انسان است.

شناخت هر فرد از هستی و ابعاد وجودی انسان، برگرفته از منابع حسی، علمی، عقلی و حیوانی است که این شناخت، در موقعیت های گوناگون و دوره های مختلف تاریخ، تحول یافته و عمیق تر شده است. باورهای دینی که در ارکان جهان بینی تأثیر گذار است، هستی و انسان را به گونه ای ویژه تفسیر می کند. ادیان الهی (در این بحث دین اسلام مورد نظر است) آفرینش جهان و انسان را هدفمند اعلام می کند.<sup>۱</sup> در نتیجه، جهان بینی الهی، هستی را عین وابستگی به خداوند می داند که حرکت و تحولش نیز به سوی اوست.<sup>۲</sup> در مقابل، نگاه مادی به هستی و انسان، در تفسیر حوادث هستی، ابعاد وجودی انسان و تحولات تاریخی و اجتماعی، تأثیر آشکاری دارد که کمترین لوازم آن، غفلت از خالق هستی،<sup>۳</sup> هدف و نظام آن و باور به زندگی صرفاً دنیوی برای انسان است. (نک. جائیه، ۲۴؛ سبأ، ۷؛ یس، ۷۸؛ دخان، ۳۵) بر حسب جهان بینی نظام ارزشی هر فرد که خوب و بد یا باید و نبایدها در زندگی است، تعیین می شود. هر مکتب یا ایدئولوژی مبتنی بر جهان بینی خاصی است. (نک. مطهری، ۱۳۶۷: ص ۱۳)

روش و رفتار والدین و هم نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر یک جهان بینی و یک نظام فکری در مورد انسان است. بیشتر انسان ها، به دینی الهی یا غیر آن باور دارند. هر دین مبتنی بر مجموعه ای از باورها، توصیه هایی برای زندگی خصوصی، اجتماعی و شغلی دارد. بسیاری از قوانین اقتصادی و حقوقی نیز بر نوعی جهان بینی، دینی یا غیردینی مبتنی است.

در این میان، ازدواج و روابط خانوادگی به عنوان بخش مهمی از فضای زندگی و مهمترین رابطه اجتماعی هر فرد دارای اهمیت بیشتری است. جهان بینی و نگرش های هر فرد، در نحوه ی ازدواج و روابط خانوادگی او تجلی می یابد. انتخاب همسر و نحوه رابطه با وی، شیوه ی اداره ی

۱- «فحسبتم انما خلقناکم عبداً...»، (مؤمنون، ۱۱۵).  
 ۲- «...انا لله و انا الیه راجعون»، (بقره، ۱۵۶).

۳- «...ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیی و ما یهلکنا الا الدهر...»، (جائیه، ۲۴).

خانواده و روش حل مشکلات، همه متأثر از جهان بینی و نگرش های فرد است. هر نوع جهان بینی و نگرش، برای گزینش همسر، ملاک هایی ویژه دارد؛ هر چند در همه دنیا ملاک های مشترکی نیز برای همسرگزینی وجود دارد.

در این نوشتار، قبل از بیان ملاک های همسرگزینی در اندیشه اسلام، جهت روشن تر شدن بحث، در ابتدا این ملاک ها از دیدگاه جامعه شناسی مطرح می شود.

### ملاک های گزینش همسر



فرآیند همسرگزینی، در گذشته کمتر در اختیار دختر و پسری بود که قصد ازدواج داشتند. معمولاً بزرگترها به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان ایفا می کردند. دلیل این امر، شاید ازدواج در سن کم به ویژه در مورد دختران بود. به علاوه، ویژگی های خانواده گسترده و وابستگی زوجین جوان به خانواده موجب می شد که تصمیم گیری اصلی، بر عهده خانواده ی دختر و پسر در آستانه ازدواج باشد. اما امروزه، به تدریج، خواست دختر و پسر، در امری که بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشتشان محسوب می شود، عامل اساسی شده است. اختیارات و آزادی های فردی دختر و پسر، در گزینش همسر فزونی یافته است. با این وجود، آنان در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است. دختر و پسر، باید در فرآیندی که هم عواطف و هم شناخت نقش بسزایی در آن دارد؛ به انتخاب شریک زندگی بپردازند.

### ملاک های گزینش همسر از دیدگاه جامعه شناسی خانواده

در بررسی ملاک های همسرگزینی در حوزه جامعه شناسی خانواده، پنج گونه ملاک کلی مطرح گردیده است: جسمانی، روان شناختی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی.

## الف) - جسمانی

ملاک های جسمانی شامل موارد ذیل می شود:

- سلامت ظاهری و جسمانی فرد؛

- تفاوت سنی (نک. صدیق اورعی، ۱۳۷۴: صص ۹۹-۹۹)

- زیبایی چهره و اندام؛ با وجود تعالیم خردمندانه ی بیشتر فرهنگ ها، مبنی بر اهمیت خصائل درونی، واکنش بیش تر افراد بر اساس زیبایی چهره و ظاهر خوشایند صورت می گیرد. البته بررسی ها نشان می دهد که مردان بیش تر از زنان تحت تأثیر زیبایی ظاهری قرار می گیرند. (ک. آذربایجانی، ۱۳۸۲: ص ۲۵۰)

- توانایی باروری نیز ملاک جسمانی دیگری است که در گذشته در مورد زنان بیشتر مورد توجه بود؛ ولی در حال حاضر، باروری مردان نیز به عنوان یک ملاک مهم محسوب می شود.

- رنگ پوست و به عبارت دقیق تر نژاد، ویژگی جسمانی است که در گزینش همسر چنان حائز اهمیت است که برخی گمان کرده اند، همسان همسری نژادی، پدیده ای غریزی است. در هر صورت گرایش انسان ها به این پدیده قابل انکار نیست. (ک. ساروخانی، ۱۳۷۰: صص ۵۲-۵۱)

## ب) - روان شناختی

دومین دسته از ملاک ها، به صفات روان شناختی افراد مربوط است که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

- هوشمندی و همگونی زن و شوهر؛ تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خانوادگی نشان می دهد که اگر زن یا مرد، شریک زندگی خود را کم هوش تر از خود بداند، میزان رضایت زناشویی در این خانواده ها کمتر خواهد بود. (همان، صص ۶۴-۶۳)

- تحصیلات؛ در عصر حاضر، این ملاک، اهمیت ویژه ای یافته است. فزونی ازدواج های دانشجویی، شاهی بر اهمیت تحصیلات در انتخاب همسر است.

- تشابه در نگرش ها؛ این مهم، عامل ویژه ای برای جذب افراد به یکدیگر است. (نک. آذربایجانی،

-عواطف و شخصیت؛ برای نمونه، اقتدار در مرد و در مقابل همراهی و پذیرش در زن، به نوع عواطف آن‌ها باز می‌گردد.

-ملاک‌های رفتاری و اخلاقی؛ صفات اخلاقی مناسب، می‌تواند به عنوان یکی از شرایط لازم به حساب آید. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که صفاتی مانند اخلاق و رفتار خوب، نجابت، صداقت و گذشت، از نظر بیش از نیمی افراد، مهمترین خصوصیت یک مرد یا زن خوب برای ازدواج به حساب می‌آید. (ذک. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، صص ۳۹-۳۸) از آن‌جا که رفتار، یکی از مهمترین ابعاد روان‌شناختی افراد محسوب می‌شود و صفات اخلاقی نیز در رگه‌های شخصیت جای می‌گیرد، این دو بعد را می‌توان در ضمن ملاک‌های روان‌شناختی در نظر گرفت.

### ج- اقتصادی

توانایی اداره خانواده، نوع شغل، میزان ثروت و درآمد بالا در مرد و کم هزینه بودن، توانایی کافی برای انجام کار و اداره‌ی خانه در زن، خصوصیات است که برای زن و مرد در آستانه‌ی ازدواج در نظر گرفته می‌شود. (همان)

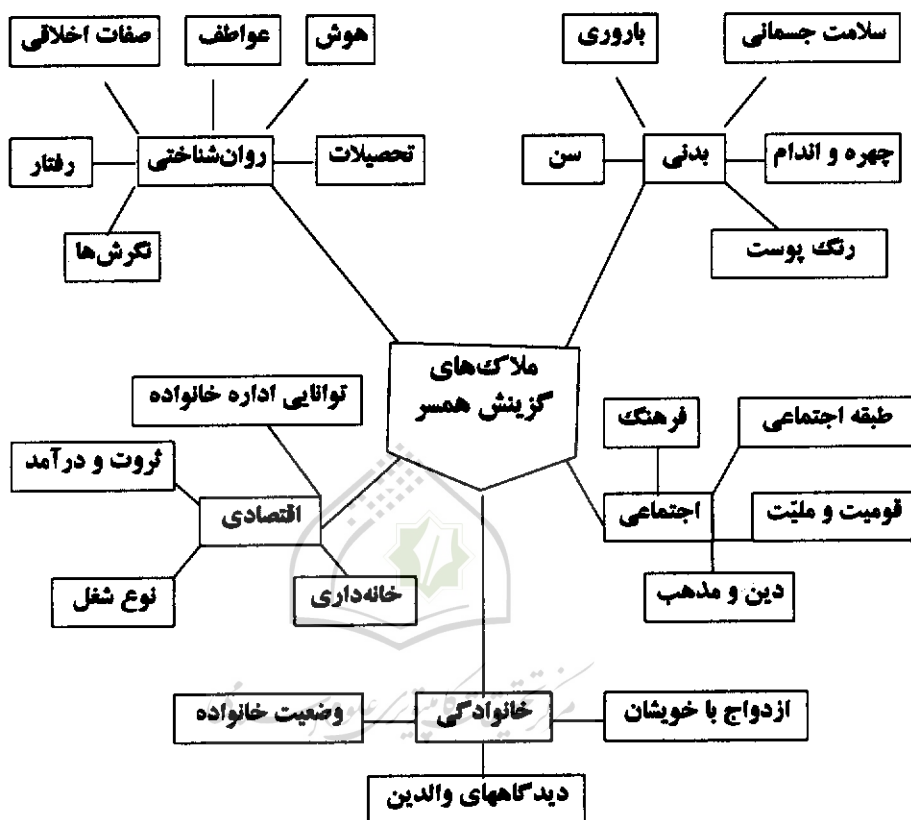
### د- اجتماعی

نوع فرهنگ، طبقه اجتماعی، قومیت، ملیت، دین و مذهب، به جنبه‌های اجتماعی هویت هر فرد باز می‌گردد. در همه‌ی دنیا، اعتقادات دینی از مهمترین عوامل موثر بر گزینش همسر است. به طوری که در بین یهودیان، بیش از ۹۸ درصد ازدواج‌ها و بعد از آن کاتولیک‌ها، ۹۳ درصد ازدواج‌ها و سپس پروتستان‌ها بیش از ۷۴ درصد ازدواج‌ها، درون دینی است. همسانی طبقات اجتماعی نیز، ملاک مهمی برای ازدواج‌هاست؛ هرچند در سال‌های اخیر، ازدواج‌های مختلط از طبقات اجتماعی متفاوت رو به افزایش نهاده است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۶۲)

### ه- خانوادگی

این ملاک به مسائلی مانند ازدواج با خویشاوند یا بیگانه، وضعیت خانوادگی فرد، مانند پدر و مادر و خواهر و برادر و نظر مثبت یا منفی خانواده در مورد یک فرد باز می‌گردد.

طرح کلی ملاک‌گزینش همسر



-قاعده همسان همسری

صرف نظر از توجه به ملاک‌های گزینش همسر مناسب، به طور کلی، انتخاب همسان، به عنوان یک قاعده‌ی جهانی همسر‌گزینی پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان، زندگی و تولد، طبقه‌ی اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و دین، سن و سال و ویژگی‌های فرهنگی و نژادی، مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است.

(ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۵۸)

در تبیین روان‌شناختی این قاعده می‌توان گفت که در مرتبه‌ی نخست، تشابه موجب جذب

افراد به یکدیگر، به سبب برانگیخته شدن عواطف مثبت آنان است. تعمیم گسترده‌ی پیوستگی مشابهت و جاذبه در مطالعه‌ی افراد، گروه‌های سنی متفاوت، سطوح اقتصادی - اجتماعی متفاوت و فرهنگ‌های مختلف ثابت شده است. در مرتبه‌ی دوم، تشابه بیشتر، موجب سازگاری بیشتر است. هرچه توافق میان دو نفر بیشتر باشد، آنان بیشتر به همدیگر علاقه مند خواهند شد. هنگام بروز اختلاف که در واقع ناشی از تفاوت هاست، طرفین می‌کوشند با تغییر وضعیت روانی خود، به تشابه و توافق نائل گردند. (ک. آذربایجانی، ۱۳۸۲: صص ۲۶۱-۲۵۶) تحقیقات نشان می‌دهد، همسانی به استمرار و استحکام پیوند نیز کمک می‌کند و نیز در مقابل، بررسی علل اختلافات زناشویی نشان می‌دهد که زوجین نوعی عدم تشابه در خصلت‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. مطالعه‌ی درجه‌ی رضایت خانواده‌ها نیز، به همین نتایج منجر شده است. (ک. ساروخانی، ۱۳۷۰: صص ۶۹-۶۸)

### ملاک‌های گزینش همسر از دیدگاه اسلام

در تعالیم اسلام، هر چند برای نقش و اهمیت ملاک‌های فوق، توصیه‌هایی ارائه شده است ولیکن در مجموع آن‌ها پذیرفته شده و همچنین بر ملاک‌های دیگری نیز تأکید شده است. صفات مناسب برای همسر (زن)، بر اساس تعالیم اسلام به عبارت ذیل است:

الف) - صفات جسمانی؛ مانند سلامت، فرزندآوری<sup>۱</sup>، دوشیزه بودن<sup>۲</sup> و زیبایی‌های ظاهری مانند زیبایی چهره<sup>۳</sup>، اندام<sup>۴</sup> و موها<sup>۵</sup>. البته رنگ پوست و نژاد به عنوان یک ملاک غالب و مسلط برای همسر مناسب، از نظر اسلام در نظر گرفته نشده است.<sup>۶</sup>

۱- «السلیم الطریقین...»، هر چند این روایت در مورد مردان است، ولی مسئولیت‌های اداره خانه و فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی همسر، این ویژگی را در زن نیز حائز اهمیت می‌کند و «ان خیر نساءکم الولود...» (حر عاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۱۴).

۲- «تزوجوا الابرار فانهن اطيب شیئا افواها»، (همان، صص ۳۴؛ ۲۰).

۳- «... امرأة ذات دین و جمال»، (نوری طبرسی، ۱۹۸۸م: ج ۱۴، ص ۱۶۹) «انظر الی وجهها و کفیتها»، (همان، ص ۲۱۴) «خیر نساء امتی اصحهن وجها»، (حر عاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۷۸).

۴- «... و ینظر الی خلفها...»، (همان، ص ۵۹؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰، ص ۲۳۱).

۵- «اذا ارادکم احدکم ان يتزوج امرأة فلیسال عن شعرها کما یسال عن وجهها فان الشعر احد الجمالین»، (همان، ص ۲۳۷).

۶- (حجرات، ۱۳؛ کلینی رازی، ۱۹۹۲: ج ۵، ص ۳۴۴). در مورد ازدواج مقدار با یکی از دختران عبدالمطلب. در آیه ۲۲۱ سوره مبارکه بقره، عبارت «ولو اعجبکم» نشان می‌دهد که صرف زیبایی نمی‌تواند ملاک محسوب شود و باید با توجه به ملاک‌های دیگر در نظر گرفته شود.



ب)- صفات روان شناختی؛ از قبیل هوشمندی در حد مناسب<sup>۱</sup>، صفات اخلاقی، حالات و رفتارهای مناسب مانند فروتنی در برابر همسر<sup>۲</sup>، سهل گیری و نرم خویی<sup>۳</sup>، امانت داری<sup>۴</sup>، سپاسگزاری از همسر<sup>۵</sup>، مهربانی و عشق به همسر و فرزندان<sup>۶</sup>، تسلیم و همراهی در روابط جنسی<sup>۷</sup>، صبر و بردباری در مشکلات می باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۱۵۲)

ج)- توانایی ها و ابعاد اقتصادی؛ مانند مهارت های ویژه در اداره خانه، کم بودن مهریه<sup>۸</sup>، هزینه ازدواج و سایر مخارج شخصی<sup>۹</sup> و یاری کردن مرد در مسائل زندگی<sup>۱۰</sup>.

د)- صفات دینی؛ که در اعتقاد به اموری مانند ایمان به خداوند و زندگی پس از مرگ<sup>۱۱</sup>، دینداری<sup>۱۲</sup>، تکیه و توکل بر خداوند در مشکلات زندگی باز می گردد. توصیه همسر به صبر<sup>۱۳</sup>، تقوا و دوری از گناهان<sup>۱۴</sup>، رعایت عفاف و پوشش شرعی<sup>۱۵</sup> و دوستی و پیروی اولیای دین (ع)<sup>۱۶</sup>، برخی نموده های عاطفی و رفتاری دینداری است.

- ۱- «ایاکم و تزویج الحمقاء، فان صحبتها ضیاع و ولدها ضیاع»، (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰، ص ۲۳۷)؛ «و خیر الجواری ما کان لها عقل و ادب فلست تحتاج الی ان تأمر و تنهی»، (حر عاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۱۳).
- ۲- «الدلیلة مع بعلها...»، (همان، ص ۱۴). این تعبیر مانند اذلة علی المؤمنین (مؤمنین، ۵۴)، به معنای تواضع است. بنابراین، برخورداری از روحیه ی تواضع در مقابل شوهر، از صفات همسر مناسب محسوب می شود.
- ۳- «الهیئة اللینة...»، (همان، ص ۱۵).
- ۴- «... اذا غاب عنها حفظته فی نفسه و ماله»، (همان، ص ۲۲).
- ۵- عن النبی (ص): «خیر النساء اذا أعطیت شکر و اذا حرمت صبرت»؛ «لا ینظر الله الی امرأة لا تشکر لزوجها و هی لا تستغنی عنها»، (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۱۵۲).
- ۶- «... الطفهن بازواجهن و ارحمهن باولادهن...»، «احنی علی ولد...»، (حر عاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۲۰).
- ۷- «المتبرجة مع زوجها الحصان علی غیره... و اذا خلا بها بذلت له ما یرید منها»، (همان، ص ۴).
- ۸- «الطیبة الطبیخ المقتصدة القلیلة لمهر»، (همان، ص ۱۳).
- ۹- همان؛ «من بركة المرأة خفة مؤنتها»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۲۳۱).
- ۱۰- «... تعین زوجها علی دهره و تساعده علی دنیا و لا تعین الدهر»، (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ص ۱۹۹)؛ «... زوجه صالحه تعینه علی امر دنیا و الآخرة»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۲۳۸).
- ۱۱- «لا مة مؤمنة خیر من مشرکة»، (بقره، ۲۲۱).
- ۱۲- «علیک بذوات الدین تربت یداک»، (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۲۲)؛ «ما افاد رجل بعد الايمان خیر من امرأة ذات دین و جمال»، (طبرسی نوری، ۱۹۸۸م: ج ۱۴، ص ۱۶۱).
- ۱۳- «لی زوجه اذا رأتی مهموماً قالت لی ما یمکن ان کنت تهتم لِرزقک فقد تکفل لک به غیرک... فقال رسول (ص) هذه من عماله (الله) لها نصف اجر الشهد»، (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۱۷).
- ۱۴- «ان من شر نساءکم... التي لا تتورع من قبیح...»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۲۳۵).
- ۱۵- «خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال»، (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۴۳)؛ «ان من خیر نساءکم... الستیرة...»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۲۳۵)؛ «خیر نساءکم... العقیفة فی فرجها»، (همان، ص ۲۳۷).
- ۱۶- «لا یتزوج المؤمن ناصبة و لا یتزوج الناصب مؤمنة»، (همان، ص ۳۷۸).

ه)- شرایط اجتماعی و فرهنگی؛ که در این امور غالباً تشابه زوجین مورد نظر است. در برخی روایات توصیه شده است که با زنان برخی مناطق و اقوام ازدواج نکنید. (رک. حرعاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۵۴) این روایات را می توان نوعی تأکید بر همسانی فرهنگی زن و شوهر دانست. تبیین دقیق تر آن است که این روایات به شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق فوق اشاره دارد که اخلاق و رفتارهای نامناسبی<sup>۱</sup> را پرورش می دهد. در غیر این صورت، بر اساس تعالیم اسلام صرف زندگی در یک منطقه خاص یا تعلق به قومیت و ملیتی خاص، موجب برتری یا کهنتری فرد نمی شود؛ بلکه پدیداری اقوام و نژادها، برای معارفه بیشتر انسان هاست. (حجرات، ۱۳)

و)- ملاک های خانوادگی؛ خویشاوندی می تواند به عنوان یک ملاک مناسب برای همسرگزینی قرار گیرد؛<sup>۲</sup> هر چند در برخی روایات، به اثر احتمالی و نامناسب چنین ازدواجی، اشاره شده است.<sup>۳</sup> بنابراین، این ملاک نسبی است و انجام گرفتن چنین ازدواجی باید منوط به تحقق دیگر شرایط باشد. تعالیم اسلام بر مناسب بودن خانواده ی همسر بسیار تأکید دارد و اثرات خانواده ی زن و شوهر را بر فرزندان به عنوان یک رکن مهم در تربیت و پرورش آنها در نظر می گیرد.<sup>۴</sup> ازدواج با فردی که خود ویژگی های مناسبی دارد ولی اعضای خانواده او از صفات اخلاقی، باورهای دینی و رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، به نحو آشکار نهی شده است.<sup>۵</sup> تأثیر خانواده بر فرزندان چه از بعد وراثت و چه تربیت، مهمترین عامل شکل گیری شخصیت آن هاست.<sup>۶</sup> از این رو، هر چند فرد می تواند با اراده و پشتکار تا حدودی بر این عوامل غلبه کند، ولی به علت اثرات عمیق و شدید این عوامل، اولیای دین (ع) به نحو موکد توصیه می کنند که وضعیت خانوادگی فرد، به عنوان یک ملاک مهم در نظر گرفته شود. علاوه بر این، نحوه ی

۱- «ایاکم و نکاح الزنج فانه خلق مشوه»، (همان، ص ۲۳۶).

۲- «من تزوج لله ولصلة الرحم توجه الله بتاج الملك»، (حرعاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۳۱)؛ در سیره انمه (ع) نیز ازدواج با خویشان، زیاد دیده می شود.

۳- «لا تتكحوا القرابة القریبة فان الولد یخلق منادیا»، (فرید، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۸۴)؛ عن رسول الله (ص) قال: «اغتربوا ولا تضروا»، (همان).

۴- «تخیروا لطفکم فان النساء یلدن اشباه اخوانهن و اخوانهن»، (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۵).

۵- «...ایاکم و خضراء الدمن ... المرأة الحسنة فی منبت السوء»، (حرعاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۱۹).

۶- «اختاروا لطفکم فان الخال احد الضمیع»، (همان، ص ۲۹)؛ تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق دسّاس»، (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۷۸۴).

برخورد خانواده دختر با وی و برخورداری او از احترام و عزتمندی مناسب در میان اعضای خانواده، می تواند نشانه ای بر رفتار و صفات مناسب فرد باشد.<sup>۱</sup>

### - ملاک های گزینش مرد

تعالیم اسلام برای گزینش یک مرد به عنوان همسر مناسب، علاوه بر ملاک های فوق، بر نکات دیگری نیز تأکید دارد که شامل موارد ذیل می شود:

- باورهای دینی مستحکم؛ به علت تأثیر بیشتر مرد بر زن در زندگی خانوادگی، برخورداری

او از باورهای دینی و مذهبی مستحکم، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

- حسن خلق؛ اولیای دین (ع)، حسن خلق را به عنوان یک ملاک اساسی در مرد اعلام نموده

و به طور آشکار توصیه می کنند که در صورت بداخلاقی فرد، ازدواج با وی صورت نگیرد.<sup>۳</sup>

- تقوا و پرهیز از گناه؛ دوری از گناهایی مانند روابط نامشروع جنسی<sup>۵</sup> و شراب خواری<sup>۶</sup>، از

ملاک های اساسی یک همسر مناسب است.

- توانایی مرد در اداره خانواده<sup>۷</sup>؛ اولیای دین (ع) توجه به ثروت و طبقه اجتماعی و اقتصادی

بالاتر را صریحاً نهی کرده اند.<sup>۸</sup> مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- گشاده دستی و دوری از بخل<sup>۹</sup>؛

- روابط مناسب با والدین<sup>۱۰</sup>؛ بدیهی است کسی که نتواند والدین خود را که بالاترین خدمت

۱- «خیر نسائکم... العزیزة فی اهلها»، (حرعاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۱۴).

۲- «... لا تزوجها الا ممن هو علی رأبها»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰۰، ص ۳۷۸)؛ «تزوجوا فی الشکاک ولا تزوجوهم، لان المرأة تأخذ من ادب الرجل ویقرأها علی دینه»، (همان، ص ۳۷۷)؛ «لا یتزوج المستضعف مؤمنه»، (همان، ص ۳۷۸).

۳- «لا تزوجه ان كان سی الخلق»، (حرعاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۵۴).

۴- «التقی التقی...»، (همان، ص ۱۸)؛ «زوجه ممن یتقی الله فان احبها اکرمها وان ابغضها لم یظلمها»، (فرید، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷۷).

۵- «الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة و الزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک و حرّم ذلك علی المؤمنین»، (نور، ۳).

۶- «لا یتزوج شارب خمر فان من فعل فکأنما قاده الی الزنا»، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰۰، ص ۳۷۲).

۷- «... عنده یسار»، (حرعاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۵۲).

۸- (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۲۲، ص ۲۶۵)؛ «ان خطب الیک رجل رضیت دینه و خلقه و فزوجه و لا یمنع فقره و فاقته...»، (همان، ج ۱۰۰، ص ۳۷۹).

۹- «... السمح الکفین... لا یلجئ عیاله الی غیره... ان من شرّ رجالکم البهات البخیل الفاحش، الآکل وحده... الملجئ، عیاله الی غیره...»، (همان، ص ۱۸).

۱۰- «ان من خیر رجالکم... البرّ بالدیة... ان من شرّ رجالکم... العاقّ بالدیة»، (همان، ج ۱۴، ص ۱۸).

و فداکاری را در حق او انجام داده‌اند، خوشنود سازد، در برقراری رابطه با همسر و فرزندان نیز مشکل خواهد داشت.

### کفویت

تعالیم اسلام در گزینش همسر، بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تأکید دارد. به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا باشند. کفویت که مورد تأکید اولیای دین (ع) قرار گرفته، با قاعده همسان همسری قابل تطبیق است. البته این همسانی بیشتر در مورد ایمان تأکید شده و زن و مرد را به سبب ایمان، همتای هم دانسته‌اند<sup>۱</sup> و ملاک‌های قومی، طبقاتی و اقتصادی را در همتایی در نظر نمی‌گیرند.<sup>۲</sup> بنابراین، در کنار برخورداری فرد از ویژگی‌های مناسب، همتایی زن و مرد یک ملاک مهم برای گزینش همسر است. پس از همانندی و تشابه زن و مرد در اصل ایمان و باورهای دینی، تشابه مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این که گفته شده اگر حضرت علی (ع) نبود، همتا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا (س) در میان انسان‌ها یافت نمی‌شد،<sup>۳</sup> اشاره به همانندی در مراتب ایمان و اخلاق دارد. در تعبیری دیگر آمده است که برخی از مؤمنان، همتا و همسان هم هستند.<sup>۴</sup> از این رو، صرف ایمان باعث همتایی دو نفر نمی‌شود و باید مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی را نیز در نظر گرفت. تصریح قرآن به تعلق افراد پاک و وارسته به افراد پاک<sup>۵</sup>، دلیل دیگری بر همتایی زن و مرد در تقوا، دوری از گناهان و دینداری است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۱۱۵)

### اولویت بندی ملاک‌های مختلف

پس از بررسی ملاک‌های همسر مناسب، میزان اهمیت و نقش آن‌ها در گزینش همسر نیز

۱- «انکحوا الکفاء و انکحوا فیهم و اختاروا لظنکم»، (همان، ص ۲۹).

۲- «المؤمن کفو المؤمنة و المسلم کفو المسلمة»، (همان، ص ۴۴).

۳- ازدواج جویر که مردی فقیر و فاقد زیبایی‌های ظاهری و از سیاهان سودان بود، با دختری از اشراف عرب به نام ذلغا به تشویق پیامبر (ص) روی داد و برای نفی ملاک‌های قومی و طبقاتی بود. (همان).

۴- «لولا ان الله خلق فاطمه لعلی ما کان لها علی وجه الارض کفو آدم فمن دونه»، (همان، ص ۴۹).

۵- «المؤمنون بعضهم اکفاء بعض»، (همان).  
۶- «الطيبات اللطیبین و الطیبون اللطیبات...»، (نور، ۲۶).

باید بررسی شود. آنچه در مورد ملاک‌های همسر مناسب بیان شد، به صورت فهرستی از ملاک‌ها بود ولی نقش آن‌ها و اولویت‌بندی بین ملاک‌ها از جهت نظری نیز باید در نظر گرفته شود. پس از آن باید در مقام عمل و گزینش مصادیق، شرایط هر فرد و اقتضانات محیط اجتماعی در نظر گرفته شود؛ زیرا معمولاً افراد از همه‌ی ویژگی‌های مناسب یا از حد مناسبی از آن‌ها برخوردار نیستند. در این موقعیت، فرد دچار تعارض و مشکل در تصمیم‌گیری می‌شود.

ملاک‌های نظری که مطرح گردید، در یک مرتبه نیستند، بعضی از آن‌ها در همه‌ی شرایط و در هر زمان و مکان جاری و برخوردار از آن‌ها ضروری است که به آن‌ها ملاک‌های مطلق گویند و دیگر ملاک‌ها بر حسب شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر و بازنگری است که به آن‌ها ملاک‌های نسبی گویند.

## الف) - ملاک‌های مطلق

### ۱- ایمان

ایمان و باورهای دینی صحیح و در حد مناسب مهم‌ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می‌شود. این شرط اساسی‌ترین ملاک مطلق است که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری می‌باشد. بنابراین، اگر فردی از ایمان و باورهای دینی در حد مناسب برخوردار نباشد، فاقد شرایط محسوب می‌شود؛ هر چند ویژگی‌های دیگر را در حد مناسب دارا باشد. کلمات اولیای دین (ع) و آیات قرآن<sup>۱</sup>، بر مطلق بودن شرط ایمان تصریح دارد: «زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند، به زنی مگیرید و کنیز مؤمن بهتر از آزاد زن مشرک است. هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، زن مؤمن ندهید و برده‌ی مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است. هر چند شما را به شگفت آورد، آنان شما را به سوی آتش فرا می‌خوانند...» (بقره، ۲۲۱)

بر اساس مضمون این آیه، ازدواج با افراد بی‌ایمان، فرد را از سعادت اخروی باز می‌دارد.

۱- «... وعلیک بذات الدین...» (حرعاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۳۰، روایات ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۷، ۱۵ و ۱۴).

۲- «فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعهن الی الکفار لانهن حلّ لهم ولا هم یحلون لهن... ولا تمسکوا بعصم الکوافر...» (ممتحنه، ۱۰).

بنابراین، چنین ازدواجی نباید صورت گیرد. نکته مهم در آیه مذکور آن است که حتی اگر با فردی از پایین ترین طبقات اجتماعی یعنی بردگان که نه تنها هیچ دارایی ندارند بلکه خود متعلق به فرد دیگری هستند، ازدواج صورت پذیرد، بهتر است تا با فرد آزادی که ایمان و باورهای دینی مستحکمی ندارد. امام باقر (ع) فرمود: «سزاوار نیست، مسلمان با غیر مسلمان ازدواج کند» ایشان حرمت این عمل را به آیه (و لا تمسکوا بعصم الکوافر)، استناد دادند. (کلینی، ۱۹۹۲: ج ۵، ص ۳۵۸) صاحب نظران علوم اسلامی نیز بر اساس ادله فوق، ایمان و باور دینی را شرط لازم برای همسر می دانند. (تجفی، ۱۳۶۹: ج ۳۰، ص ۹۳) ایمان و باورهای دینی، به عنوان یک نگرش اصلی و محوری به طور مستقیم و غیر مستقیم بر همه ی ابعاد شخصیت فرد، مانند هدف زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی، دیدگاه های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه های جزئی تری، از قبیل تفریحات، علائق و ترجیحات رفتاری در زندگی اثرگذار است. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ص ۱۶۲) به جهات فوق تعالیم اسلام بر ملاک ایمان، بیشترین تأکید را دارد.

علاوه بر ایمان، تقوای یکی از شرایط لازم و ضروری، جهت انتخاب همسر محسوب می شود. بر خورداری از تقوا در حدی است که همسر از گناهانی مانند زنا<sup>۱</sup> و شرابخواری<sup>۲</sup> دوری کرده و به طور علنی و آشکار مرتکب گناه نشود.<sup>۳</sup> این ملاک نیز مطلق محسوب می شود و در صورتی که روشن شود، فرد مورد نظر فاقد چنین تقوایی است، انتخاب وی انتخاب مناسبی نخواهد بود.

## ۲- حسن خلق

مقصود از حسن خلق، رفتارها و تعامل های مناسب در زندگی، سازگاری و مدارا با افراد است.<sup>۴</sup> اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو حسن خلق فراهم می شود.<sup>۵</sup> حسن خلق نیز به عنوان یک شرط لازم و ملاک مطلق برای همسر

۱- «وَجها من رجل تقى فان احبها اكرمها وان ابغضها لم يظلمها».

۲- «الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة و الزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک و حرّم ذلک علی المؤمنین»، (نور، ۳).

۳- «لا یتزوّج شارب خمر فان من فعل فکانما قادهالی الزنا»، (همان: ج ۱۰۰، ص ۳۷۲).

۴- «من زوّج کریمته من فاسق نزل علیه کل یوم الف لعنة»، (نوری طبرسی، ۱۹۸۸: ج ۱۴، ص ۱۹۱).

۵- «قیل للصادق (ع) ما حدّ حسن الخلق؟ قال: تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی اخاک ببشر حسن»، (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۷۱، ص ۱۷۱).

۶- «حسن خلق یعیش به فی الناس»، (همان، ج ۶۹، ص ۴۰۴)؛ «حسن خلق یداری به الناس»، (همان، ص ۴۰۸).

مناسب است که در همه شرایط زمانی و مکانی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، اگر فردی از حسن خلق در حد مناسب برخوردار نباشد، فاقد شرایط لازم محسوب می شود. به همین جهت، اولیای دین (ع)، صریحاً از ازدواج با افراد بدخلق رانهی کرده اند. (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۵۴)

قابل توجه است که اگر در موقعیتی پس از ازدواج روشن شود که زن یا مرد ناسازگار و بدخلق است، نحوه ی برخورد با موضوع، متفاوت از مرحله ی گزینش همسر است. در این شرایط، اگر بدخلقی به ناسازگاری شدید بین زن و مرد منجر شود، ادامه ی چنین زندگی مناسب نیست.<sup>۱</sup> اما اگر بدخلقی در حد پایین تر و در برخی شرایط، روی دهد، صبر و مدارا و ادامه ی زندگی خانوادگی، بهترین شیوه مواجهه با مشکل است. روایاتی که به ثواب صبر و تحمل مرد یا زن در برابر بدخلقی همسر اشاره کرده است،<sup>۲</sup> نیز مربوط به چنین شرایطی است. در غیر این صورت، اگر از ابتدا روشن شود که فردی بدخلق است، دست کم چنین ازدواجی به دلیل عدم برخورداری یکی از شرایط لازم همسر، مناسب نیست. همچنین به دلیل این که حسن خلق یکی از ارکان مهم ایمان است،<sup>۳</sup> بد اخلاقی فرد نشانه ای از ضعف ایمان او نیز محسوب می شود و درجات ایمان افراد به حسن خلق آن ها مربوط می شود.<sup>۴</sup> حسن خلق در خانواده نیز از ملاک های دینداری و کمال افراد محسوب می شود.<sup>۵</sup> بنابراین، بد اخلاقی موجب می شود، فرد در ویژگی ایمان نیز ناقص باشد.

### ۳- سلامت جسمانی و روانی

اگر فرد به بیماری جسمی یا بیماری روانی شدید دچار باشد، گزینش وی به عنوان

۱- «اصناف لا یتحاب دعاؤهم رجل تؤذیه امراته بکل ما تقدر علیه... یقول له... فان شئت خلیتها و ان شئت اسکنها»، (همان: ج ۱۰، ص ۲۲۴).

۲- «من صبر علی خلق امرأة سیئة الخلق و احتسب فی ذلک الاجر اعطاء الله ثواب الشاکرین فی الاخرة»، (همان، ص ۲۲۴)؛ «من صبرت علی سوء خلق زوجها اعطاها مثل (ثواب) آسیة بنت مزاحم»، (همان، ص ۲۴۷).

۳- «اربع من کن فیہ کمل اسلامه... و حسن خلقه مع اهله»، (همان: ج ۷۵، ص ۹۳).

۴- «ان اکمل المؤمنین ایماناً أحسنهم خلقاً»، (همان: ج ۷۱، ص ۳۷۳).

۵- «خیار کم، خیار کم لسنانه»، (امالی طوسی به نقل از همان، ص ۳۹).

همسر، مناسب نیست؛ زیرا چنین ازدواجی کار کردها و اهداف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد. به همین جهت فقها در مواردی از نقصان جسمانی و روانی، ازدواج را فسخ شده اعلام می کنند.<sup>۱</sup> لازم به تذکر است که پس از آگاهی از برخورداری فرد از ایمان، تقوا و حسن خلق در حد مطلوب، رد کردن ازدواج بدون دلیل عرفی یا عقلی موجه، ممکن است موجب بروز مشکلات اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی شود. به همین جهت در کلمات اولیای دین (ع) آمده است: «وقتی خواستگاری پیدا شد که اخلاق و دینداری او را می پسندید، زمینه ازدواج با وی را فراهم کنید؛ در غیر این صورت فتنه و فساد بزرگ زمین را فرا خواهد گرفت.»<sup>۲</sup>

### ب) - ملاک های نسبی

به غیر از این چهار صفت، سایر ملاک های اعلام شده، نسبی محسوب می شود. بدین معنا که با توجه به سایر ملاک ها، بود و نبود یا ضعف و قوتشان و موقعیت های زمانی و مکانی مختلف باید، آن ها را در نظر گرفت.

ملاک هایی که در گزینش همسر به طور نسبی باید در نظر گرفته شوند، عبارتند از:

### ۱- زیبایی و جذابیت ظاهری

زیبایی یکی از ملاک های مهم در پیوند ازدواج و استمرار آن است. حصول میل و علاقه متقابل و برطرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس زیبایی زن و مرد نسبت به یکدیگر است. جذابیت و کشش زیبایی، یک خصوصیت طبیعی است که در متون اسلامی شواهدی بر آن وجود دارد: «خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد...»<sup>۳</sup> و «خوبی را نزد خوبرویان بجوئید، زیرا اعمال و رفتار آنان برای نیکویی شایسته تر است.»<sup>۴</sup> اگر در ازدواج میل و علاقه وجود نداشته باشد، زمینه نارضایتی خانوادگی از ابتدا فراهم می شود. به همین جهت، علاقه و میل فردی که

۱- برخی از این نقص ها در قانون مدنی مواد ۱۱۲۵-۱۱۲۰ مطرح شده است.

۲- «اذا جئکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه الا تعلقوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر»، (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۵۱). این حدیث از رسول خدا (ص) و امام باقر (ع) به طرق مختلفی نقل شده است.

۳- «ان الله جمیل و یحب الجمال...»، (المتقی الهمدی، ح ۱۷۱۶۶).

۴- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه فان افعالهم احری ان یکون حسنا»، (مجلسی، ج ۱۴، ص ۱۸۷).



قصد ازدواج دارد، بسیار حائز اهمیت است و حتی بر میل و نظر والدین ترجیح دارد.<sup>۱</sup> تأکید اولیای دین (ع) بر این پدیده روان شناختی یعنی گرایش عاطفی به طرف مقابل در زن<sup>۲</sup> و مرد<sup>۳</sup> در راستای تأمین اهداف مهم ازدواج از قبیل، حصول دوستی و عواطف شدید<sup>۴</sup> بین زن و مرد و حمایت روانی<sup>۵</sup> آن‌ها از یکدیگر است. بنابراین، توجه به زیبایی و جذابیت ظاهری، زمینه‌ساز اساسی میل و علاقه‌ی دو طرف به یکدیگر را که ملاک مهم دیگری برای گزینش همسر است، فراهم می‌سازد. به همین جهت، بر اساس تعالیم اسلام، نگاه به چهره و اندام فرد مورد نظر، برای ازدواج در صورتی که قصد لذتی در آن نباشد، نه تنها مجاز شناخته شده<sup>۶</sup> بلکه مورد تأکید قرار گرفته است؛<sup>۷</sup> زیرا این امر، زمینه استمرار عواطف مثبت بین زن و شوهر را فراهم می‌سازد.<sup>۸</sup> نکته حائز توجه آن است که زیبایی و جذابیت مرد یا زن، باید نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شود؛ زیرا زیبایی یک امر نسبی است و وابسته به سلیق اشخاص؛ از این رو، بهتر است زن و مرد در نظر یکدیگر از جذابیت لازم برخوردار باشند، هر چند در نظر افراد دیگر، زیبا به نظر نرسند.

## ۲- فرزندآوری

از دیدگاه اسلام هر چند جذابیت ظاهری حائز اهمیت است لیکن برخی ملاک‌های دیگر مانند دینداری و فرزندآوری بر آن ترجیح دارد. بنابراین، اگر معلوم شود که فردی فرزندآور نیست، هر چند زیبا باشد، از شرایط قابل قبول برخوردار نخواهد بود.<sup>۹</sup> همچنین اگر کسی فقط با

۱- «تزوج التي هويت ودع التي هوى ابواک»، (همان: ج ۱۰۰، ص ۲۳۵).

۲- «النساء یحببن ان یرین الرجال فی مثل ما یحب الرجال ان یرى فیہ النساء من الزینة»، (همان، ج ۷۶، ص ۱۰۱).

۳- «خیر الجوارى ما کان لک فیها هوى وکان لها عقل وادب»، (حر عاملى، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۱۳).

۴- «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة ورحمة» (روم، ۲۱).

۵- (همان)؛ «زوجة صالحة تعاونه و یحصن لها فرجه»، (حر عاملى، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۲۱)؛ «امرأة صالحة اذا رآها سرتة و اذا اقسم علیها ابرته» (همان، ص ۲۲ و روایات صص ۲۴-۲۲، همان: ج ۱۴).

۶- «ینظر الرجل الی المرأة یرید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؟ قال لا بأس بذلك اذا لم یکن متلذذاً»، (همان، ج ۱۴، ص ۶۰؛ همه روایات باب ۳۶، صص ۵۹-۶۱).

۷- «الرجل یرید ان یتزوج المرأة یجوز له ان ینظر الیها؟ قال نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان یسترها باغلی الثمن»، (همان، ص ۶۱).

۸- «انه قال للمغیره بن شعبه و قد خطب امرأة: لو نظرت الیها فأنه احوى ان یدوم بینکما»، (همان، ص ۶۱).

۹- «تزوجوا بکرا و لو دأوا و لا تزوجوا حسنة جمیلة عاقراً فانی ابا هی بکم الامم یوم القیامة»، (همان: ج ۱۴، ص ۳۳).

تأکید و توجه به زیبایی فردی با او ازدواج کند، ممکن است نه تنها از زیبایی بلکه از صفات دیگری مانند دینداری وی محروم شود.<sup>۱</sup> فرزندآوری به عنوان یک ملاک مهم در ازدواج، نقص در جذابیت ظاهری را جبران می کند؛<sup>۲</sup> در حالی که در صورت نقص در فرزندآوری، فرد از شرایط لازم برخوردار نیست؛ هر چند دارای جذابیت ظاهری و کمال دینی باشد.<sup>۳</sup> توجه صرف به ثروت نیز فرد را از جنبه های دیگر محروم می کند؛ در حالی که اگر تزویج بر اساس دینداری صورت پذیرد، زیبایی و ثروت نیز از جانب خداوند تأمین خواهد شد.<sup>۴</sup> از آن جا که یکی از اهداف مهم ازدواج، تولید و پرورش فرزند است و از نیاز مهم روانی انسان ها تعلق و پیوستگی خصوصاً با فرزند است. (ر.ک. مزلو، ۱۳۶۷: ص ۷۹) فرزندآوری به عنوان یک ویژگی مهم همسر مناسب در نظر گرفته شده است. البته در موارد نادری، پیش از ازدواج، می توان ناباروری مرد یا زن را تشخیص داد.

### ۳- کفویت

کفویت مشابه مفهوم همسان همسری در جامعه شناسی خانواده است. همچنان که همسان همسری دارای جنبه های متعدد است، مفهوم کفو نیز امری نسبی است و دارای مراتب متعدد است. بنابراین باید همتایی دو نفر، در جمع بندی همه ملاک ها در نظر گرفته شود. ممکن است فردی نسبت به همسرش در جنبه هایی بالاتر باشد، در حالی که همسری در جنبه های دیگری از او بالاتر است. در این رابطه به بعضی از کلمات اولیای دین (ع) اشاره می شود:

- همتا و هم شأن به این است که فرد پاکدامن باشد و زندگی با او همراه با آسایش باشد.<sup>۵</sup>
- فردی در نامه ای به امام جواد (ع) اعلام می کند که من مثل و همانندی برای ازدواج با دخترانم نیافته ام. امام جواد (ع) در جواب او می فرماید که در مورد نیافتن مثل و مانند، فکر و توجه زیاد نکنند بلکه اگر از اخلاق و دینداری خواستگاران رضایت داشت، دختران را به همسری آنان

۱- «من تزوجها لجمالها رأی فیها ما یکره» و «من تزوج امرأة لا یتزوجها الا لجمالها لم یر فیها ما یحب» (همان، ص ۳۱).  
 ۲- «تزوج سواء ولوداً فانی مکائر بکم الامم... ما السواء قال القبیحة» (همان، ص ۳۳).  
 ۳- «یا نبی الله ان لی ابنة عم قد رضیت جمالها وحسنها ودینها ولكنها عاقرة فقال لا تزوجها» (همان).  
 ۴- «اذا تزوجها لدینها رزقه الله المال والجمال» (همان، ص ۳۰).  
 ۵- «الکفو ان یکون عقیفاً وعنده یسار» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰، ص ۳۷۲).

در آورد و گر نه فتنه و فساد بزرگ در زمین ایجاد می شود. (همان، ص ۳۷۳)

- امام رضا (ع) نیز می فرماید: «اگر مای خواستیم اعضای خانواده خود را به افرادی که کاملاً همتا و هم شأن ما باشند، همسر دهیم، بدون همسر می ماندند...». (همان، ج ۷۵، ص ۳۶۷) از مجموع این سه روایت روشن می شود که همتایی در ازدواج امری نسبی است و لازم است در برخی شرایط زمانی و مکانی از آن صرف نظر شود.

از این رو، اگر فرد داوطلب ازدواج، از ملاک های مطلق، از قبیل اخلاق و سلامت روان برخوردار بود، مناسب نیست که اصل ازدواج را به عنوان یک سنت مهم پیامبران الهی، به دلیل فراهم نبودن شخص همانند ترک نمود. از این جهت، با وجود این که همسران ائمه (ع) و پیامبر (ص) همتا و کفو آن ها نبودند، این امر باعث نشد که ائمه اطهار (ع) از ازدواج با آن ها خودداری کنند. (نک. فمی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۶)

به نظر می رسد، جمله ای که در مورد حضرت فاطمه (ع) گفته شده است که اگر حضرت علی (ع) نبود، همتا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا (س)، در میان انسان ها یافت نمی شد، اشاره به این واقعیت دارد که غیر از علی (ع) کسی همتای ایشان نبود. (حر عاملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۴۹) و ممکن بود در غیر این صورت ازدواج ایشان مانند ازدواج بسیاری از فرزندان ائمه (ع) با همتای خود نباشد. بنابراین نمی توان گفت که ایشان به دلیل نبودن کفو و همتا، ازدواج نمی کرد. البته، لازم به ذکر است که خاندان پیامبر (ص) و معصومان دارای اختصاصاتی از جمله در ازدواج می باشند<sup>۱</sup> که در این موارد نمی توان ایشان را با انسان های دیگر و شرایط عادی و طبیعی مقایسه کرد. در مقام تفسیر حدیث مذکور، دو تفسیر دیگر نیز بیان شده است که هر دو قابل نقض هستند:

الف) - «از آن جا که مرد بر زن استیلا دارد و از طرف دیگر غیر معصوم بر معصوم استیلا ندارد»، لذا حضرت زهرا (ع) نمی توانستند با غیر معصوم ازدواج کنند. بنابراین، تنها گزینه ایشان برای ازدواج حضرت علی (ع) بود.

۱- برای نمونه، ازدواج با همسران پیامبر (ص) پس از رحلت ایشان ممنوع اعلام شد. (احزاب، ۵۳) همچنین فقط برای پیامبر (ص) جایز بود که نه همسر دائم داشته باشد یا اگر زنی خود را به پیامبر (ص) می بخشید، مانند همسر ایشان محسوب می شد. (احزاب، ۵۰)

این تبیین مورد تردید است؛ زیرا استیلا و به تعبیری قوأمیت مرد بر زن در خانواده، در محدوده‌ی وظایف خانوادگی است نه در همه ابعاد و رفتارهای زندگی. بنابراین اشکالی ندارد که زن معصومی به همسری مرد غیر معصوم درآید. با این وجود به وظایف دینی و شرعی خود عمل کند. آسیه یکی از زنان الگو برای اهل ایمان بود که دعا کرد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند و او را از دست فرعون و رفتارهایش نجات دهد (زک. تحریم، ۱۱). به همین جهت، زن معصوم می‌تواند به همسری غیر معصوم درآید و در شرایطی ویژه نیز شهادت در راه خدا را برگزیند و هیچ‌گاه دست به رفتار خلافی نزند.

ب)- «فلسفه ازدواج حضرت زهرا (س)، ایجاد پاک‌ترین نسل بود و به همین جهت باید با بهترین فرد ازدواج می‌کرد تا والاترین فرزندان تربیت شوند.»

در نقد این بیان قابل ذکر است که به طور قطع مقام حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ع) از مقام فرزندانشان بالاتر است؛ با این وجود والدین حضرت علی (ع) و مادر حضرت زهرا (س)، به ظاهر معصوم نبودند، هر چند از مقام بسیار والایی برخوردار بودند. همچنین والدین پیامبر (ص) که بزرگ‌ترین شخصیت عالم انسانی می‌باشد، معصوم نبودند. علاوه بر این، مادران همه ائمه (ع) به استثنای امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در ظاهر معصوم نبودند، ولی شخصیت بسیار والایی آن‌ها، برای ایجاد نسلی پاک که به مقام ولایت، حجیت و انسان کامل رسیده‌اند، کافی بود. بنابراین، ایجاد نسل پاک، مشروط به صفت عصمت، به ویژه آن‌چه در چهارده معصوم (علیهم السلام) بود، نمی‌باشد. به همین جهت تبیین دوم نیز مورد تردید است یا دست کم قابل اثبات نیست و نقض‌هایی بر آن وارد می‌شود.

در هر صورت، همان‌گونه که گفته شد، معصومان (ع) اختصاصاتی از جمله در ازدواج دارند، ولی سنت و سیره همه آن بزرگان انجام ازدواج بود. از این رو، اظهار نظر در مورد ازدواج حضرت زهرا (ع) باید با تأمل بیشتری صورت گیرد. شاهد بر این امر، کلامی از رسول خدا (ص) است که فرمود: «من در میان شما و مانند شما ازدواج می‌کنم ولی ازدواج فاطمه (ع)، امری الهی است و مطابق دستور از آسمان انجام شده است.» (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۹، ح ۵)

به همین جهت، طبق روایات وقتی زنی به بهانه رشد معنوی از ازدواج سرباز می‌زند،

امام صادق (ع) به او می فرماید: «دست از این شیوه بردار، زیرا اگر قرار بود کسی به این عذر، ازدواج نکند، زنی اولی تر از حضرت زهرا (س) نبود.» (حر عاملی، ج ۴، ص ۱۱۷، باب ۸۴) همچنین رسول خدا (ص) زنان را از این که به دلیل امور معنوی (که شاید مهم ترین توجیه باشد) از ازدواج سرباززند، نهی نموده است. (همان)

در مجموع بر اساس تعالیم اسلام و برخی آیات قرآن کریم،<sup>۱</sup> اصل حاکم، انجام ازدواج در صورت تحقق شرایط لازم مانند ایمان است و نبود سایر ویژگی ها نباید مانع انجام ازدواج شود.<sup>۲</sup> همسانی زن و مرد در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر چند به سازگاری بیشتر آنان کمک می کند ولی نمی توان این امر را به عنوان ملاک لازم و قطعی در همه شرایط زمانی و مکانی برای همسر مناسب در نظر گرفت. آیات قرآن،<sup>۳</sup> کلمات معصومان<sup>۴</sup> (ع) و سیره ی عملی اولیای دین (ع) در ازدواج<sup>۵</sup>، حاکی از این امر است که این ملاک نمی تواند جهت ترجیح افراد بکار رود. به عنوان نمونه، وقتی امام سجاد (ع) با زنی از بنی شیبان ازدواج می کند، یکی از اصحاب، به جهت تعلق زن به آن قبیله و ناشناس نبودنش اظهار خرسندی می کند. امام (ع) به او می فرماید: «تو را صاحب نظر تر از این حساب می کردم. خداوند به وسیله اسلام، پایین را بالا برد، ناقص را کامل کرد و افراد پایین جامعه را کرامت بخشید. مسلمان پست نیست. پستی، پستی جاهلیت است.» (همان، ص ۳۷۲) و «پیامبر (ص)، سیاه فقیر را به تزویج زن قریشی بسیار ثروتمند در آورد و فرمود: «من برای آسان شدن ازدواج ها چنین کردم. شیوه عمل رسول خدا (ص) را سنت و رسم خودتان قرار دهید و بدانید که گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست...» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۲۲، صص ۴۳۷، ۲۶۵)

تشابه زن و مرد در امور روان شناختی، از قبیل هوش، عواطف، تحصیلات و نگرش ها، در ضمن ملاک کفویت قرار می گیرد. زیرا این امور در پیوند دو نفر، استحکام و استمرار پیوند آن ها

۱- به عنوان نمونه، می توان به این آیه شریفه اشاره کرد: «وانكحوا الایامی منكم و الصالحین من عبادكم و امانكم»، (نور، ۳۲).  
 ۲- «و من لم یستطع منكم طولا ان ینكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤمنات»، (نساء، ۲۵).  
 ۳- «یا ایها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثی و جعلنكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقیکم»، (حجرات، ۱۳).  
 ۴- ان خطب الیك رجل رضیت دینه و خلقه فزوجه و لا یمنعك فقره و فاقته»، (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰، ص ۳۷۹).  
 ۵- مانند ازدواج امام سجاد (ع) با کنیزها و تزویج پیامبر (ص) دختر عمه خود را به خدمتکارش. (نک. همان، ص ۳۷۴).

بسیار اثرگذار است. البته تشابه در این امور مانند ملاک کفویت، امری نسبی است و صرف نبود یا نقص در آن‌ها فرد را فاقد شرایط لازم نمی‌کند. در این مورد، باید شرایط زمانی و مکانی و شخصیت افراد داوطلب ازدواج در نظر گرفته شود. بدیهی است هر چه تشابه بیشتر باشد، فرد مورد نظر از شرایط بهتری برخوردار خواهد بود.

در میان صفات نسبی، مهمترینشان توجه به همسانی و تشابه زن و مرد است که از میان آن‌ها جنبه‌های روان‌شناختی افراد که در سازگاری و رضایت زناشویی بیشتر مؤثر است، باید ترجیح داده شود. این موارد عبارتند از: رفتار و شیوه‌ی برخورد در خانواده، نگرش‌های مربوط به زندگی خانوادگی، مانند فرزندپروری، مهار و تعدیل عواطف. در فرآیند گزینش همسر، پس از شناخت ملاک‌های لازم، تطبیق آن‌ها بر فرد مورد نظر، امری مهم و بسیار دشوار است. به طور کلی دو اصل مهم در فرآیند گزینش همسر، باید رعایت شود:

اول؛ شناخت شرایط لازم و سایر ویژگی‌های همسر مناسب و در مقابل صفات، حالات و رفتارهای مخل زندگی زناشویی خشنودکننده.

دوم؛ سعی در کسب اطلاعات لازم و کافی از فرد داوطلب ازدواج. بدین منظور با تحقیق در مورد ویژگی‌های فرد مورد نظر از محل تحصیل، کار و زندگی و در مورد خانواده او، از بخش مهمی از شخصیت فرد می‌توان اطلاع یافت. به علاوه، با برگزاری چند جلسه ملاقات و توجه به گفتار و سایر حالات غیر کلامی فرد، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری به دست خواهد آمد. به نظر می‌رسد، هر چه دختر و پسر در فرآیند گزینش همسر به این دو اصل بیشتر پایبند باشند، انتخاب آن‌ها مناسب‌تر خواهد بود.

آن‌چه در مورد ملاک‌های ازدواج گفته شد، مبتنی بر جهان بینی اسلام است. از آن‌جا که اسلام، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، تولید و پرورش فرزندان صالح، حفظ افراد از آلودگی‌ها و تکامل اخلاقی و معنوی را از اهداف اساسی ازدواج می‌داند، ملاک‌های همسر مناسب را نیز در راستای تأمین همین اهداف در نظر می‌گیرد. از این رو، فردی که جهان بینی مادی دارد یا از باورهای دینی ضعیف برخوردار است، ممکن است، ملاک‌های مادی از جمله جذابیت ظاهری و شرایط اقتصادی را به عنوان اصلی‌ترین معیارها قرار دهد.

همچنین، اهدافی که برای ازدواج بیان شد، مربوط به غالب ازدواج‌ها، به ویژه ازدواج اول افراد است. تعداد اندکی از ازدواج‌ها نیز ممکن است، برای تأمین برخی اهداف دیگر صورت پذیرد. مثلاً فردی که همسر خود را از دست داده و دارای چند فرزند است، در ازدواج دوم دیگر توجهی به باروری فرد ندارد و ممکن است با فردی نابارور ازدواج کند و نیز در ازدواج‌هایی که گاه اهدافی کوتاه مدت برای آن‌ها در نظر گرفته شده، فقط به ملاک‌هایی مطلق و ضروری توجه می‌شود.

#### فهرست منابع:

- ◆ «قرآن کریم»، ترجمه محمد فولادوند، دارالقرآن کریم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- ◆ آذربایجانی، مسعود و دیگران: «روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲.
- ◆ الحر عاملی، محمدبن‌الحسن: «وسائل الشیعه»، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۱.
- ◆ ساروخانی، باقر: «جامعه‌شناسی خانواده»، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
- ◆ سیوطی، جلال‌الدین: «الدور المشور»، مکتبة آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ◆ صدیق اورعی، غلامرضا: «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان»، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۴.
- ◆ طباطبایی، محمدحسین: «تفسیر المیزان»، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
- ◆ طبرسی، حسن بن فضل: «مکارم الاخلاق»، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.
- ◆ فرید، مرتضی: «الحديث روايات تربیتی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- ◆ قمی، شیخ عباس: «منتهی الآمال»، تهران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۰.
- ◆ کلینی رازی، محمدبن یعقوب: «الکافی»، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۲م.
- ◆ الممتقی الهندی: «کنز العمال»، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- ◆ مجلسی، محمدباقر: «بحار الانوار»، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳م.
- ◆ محمدی ری شهری، محمد: «میزان الحکمة»، محمد رضا شیخی، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- ◆ مزلو، ابراهام: «انگیزش و شخصیت»، احمد رضوانی، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ◆ مطهری، مرتضی: «شناخت»، تهران، صدرا، ۱۳۶۷.
- ◆ مطهری، مرتضی: «مجموعه آثار»، صدرا، ۱۳۷۸.
- ◆ معلمی، حسن: «مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی»، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و

اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.

◆ نجفی، محمد حسن: «الجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.  
◆ نوری طبرسی، حسین: «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث العربی،  
۱۹۸۸م.

◆ \_\_\_\_\_: «ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج دوم»، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.

◆ Mendelson.E.M. "World view" International Encyclopedia of The Social Sciences.  
1968.

